

نگاهی به وضعیت اسفبار کنونی کشور!

چه میتوانیم بکنیم؟

احمد نوین

در ابتدا، بطور مختصر، برخی از اخبار ایران در زمینه های متفاوت از جمله در زمینه های ؛ بازداشت ها و تشدید سرکوب ها، اعدام ها ، علل فرار مغزها ، وضعیت اقتصادی ایران، نا امنی جاده های ایران، تورم لجام گسیخته، ضایعات مصرف مواد مخدر و بیماری های روانی در ایران، شیوع برخی بیماری های دیگر در ایران ، نابسامانی های اجتماعی را مرور میکنیم.

سپس، با توجه به این اخبار در رابطه با اوضاع کنونی در ایران، نتیجه گیری و عاقبت پیرامون اینکه ما مردم چه میتوانیم بکنیم، مطالبی را ارائه میدهم.

در زمینه بازداشت ها و تشدید سرکوب ها، خبرها حکایت از بازداشت ها، شکنجه ها و زندان های بسیار طولانی مدت فعالین کارگری، زنان، جوانان ، دانشجویان و مبارزان ملیت های ساکن ایران دارد. بعنوان مثبت، نمونه خروار :

علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران هفت تپه، روز شنبه بیست و یکم آبان ماه، پس از مراجعه به دادگاه، توسط ماموران امنیتی، دستگیر شد. / اوضاع جسمی شهابی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، در زندان، وخیم تر شده است. / هشت تن از فعالان ادبی و فرهنگی شهر گیلان غرب در استان کرمانشاه، در مجموع به ۱۳ سال حبس تعلیقی و تعزیری محکوم شده اند.

مادر علی پور سلیمان، آموزگار زندانی، می نویسد: " شنیدم که تو را با چوبدستی کتک زده اند تا جایی که تو نیمه جان و خونین بر زمین افتاده ای. هنوز هم نمی توانم باور کنم با یک معلم، با یک انسان، چنین رفتار کرده اند." همسر روزنامه نگار زندانی سیامک قادری، خبرنگار منتقد هم میگوید: " وقتی از شکنجه های همسرم برای مسئولان گفتم، فقط مسخره ام کردند."

در رابطه با وضعیت زندان های ایران نیز گزارش شده است که برخی از زندان های کشور بیش از چهار برابر ظرفیت شان زندانی دارند. عفو بین الملل از مجمع عمومی سازمان ملل خواسته است به وضعیت حقوق بشر در ایران رسیدگی کند.

در زمینه اعدام ها در ایران ، معاون قضایی رئیس کل دادگستری خوزستان، از اجرای ۹۴ حکم اعدام، در این استان از سال ۸۸ تاکنون خبر داد. مرتباً خبر اجرای احکام اعدام بطور علنی از ایران مخابره میشود. بنابر گزارشات منابع بین المللی، ایران در صدر جدول اجرای احکام اعدام در جهان، قرار دارد.

در زمینه علل فرار مغزها از ایران، حسین نادری منش، معاون آموزشی وزارت علوم، میگوید: بیش از نیمی از فارغ التحصیلان دکتری کشور ما، بیکارند. / وزیر کار دولت نیز، نرخ بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی را، نسبت به افراد فاقد مدرک، ۱۰ برابر اعلام کرده است. آمار منتشر شده حکایت از مهاجرت دهها هزار نفر از فارغ التحصیلان ایران به خارج از کشور دارد.

بعلاوه مسلمی نائینی، مدیر کل بورس و امور دانشجویان خارج وزارت علوم، در جمع خبرنگاران اعلام کرد که "حدود ۸۰ هزار دانشجوی ایرانی در خارج از کشور و در دانشگاههای مختلف شاغل به تحصیل هستند". بنا بر تجربه اکثر فارغ التحصیلان ایرانی نیز، پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی، بعلت عدم وجود آزادی ، سطح نازل علمی و وجود تبعیضات گسترده در ایران و خطر بیکاری به کشور باز نمیگردند.

در زمینه اقتصادی، بر اثر سوء سیاست های اقتصادی دولت از جمله برچیدن یارانه ها ، کلاهبرداری های کلان و متعدد ورود دهها میلیارد دلار کالاهای قاچاق تحریم اقتصادی کشور، بیش از نیمی از بنگاههای تولیدی ایران ورشکست شده اند و بقیه با ظرفیت ۳۰% تا ۵۰% بکار ادامه میدهند. بعلاوه گردش نقدینگی در بخش تولید کشور به صفر رسیده است.

مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، اعلام کرد که ؛ پوشاک قاچاق، در سال ۱۳۸۹ ، سه برابر کل حجم واردات قانونی، پوشاک بوده است.

تحقیقات نشان میدهد: قاچاق کالا، سالانه منجر به از بین رفتن صدها هزار فرصت شغلی، در کشور شده است. بیش از ۳۵% جوانان ایران نیز بیکار هستند و بنابر آمار وزارت کار ایران فقط ۱۳% زنان ایرانی شاغل هستند.

آش آنچنان شور شده است که رسولی، دبیر اجرایی خانه کارگر رژیم در مشهد نیز، در رابطه با تقلب دولت در مورد تعریف معنای شاغل، صدایش در آمده است.

او میگوید که این فرضیه " که هر کسی در هفته یک ساعت کار کند شاغل محسوب می شود از اساس و بنیاد غلط است و اشتغال به این معنی اشتغال نیست . کسی که قرار باشد یک ساعت کار کند مزد یک ساعت آن ۱۵۷۰ تومان است، آیا با این مبلغ کسی میتواند زندگی کند.؟".

دبیر دیگر اجرایی خانه کارگر رژیم در استان تهران نیز گفته است: "نحوه برخورد با کارگران نوعی برده‌داری نوین است." و "کارگر به عنوان کارآموز در یک واحد تولیدی فعالیت می‌کند و بعد از ۴ تا ۵ ماه به علت نیاز مالی وقتی از کارفرما درخواست حقوق و قرارداد می‌کند، کارفرما، کارگر را اخراج می‌کند." البته توجه دارید که منظور این دبیر اجرایی از "کارفرما"، سرمایه دار است که تحت حمایت نظام جمهوری اسلامی ایران، این چنین "آزادی" عمل دارد.

ضمناً او نیز به "نبود امنیت شغلی، بیکاری و کمبود شغل" و "هزینه‌های زیاد آب و برق و گاز و غیره" معترض است.

بنابر اطلاعات منتشر شده تنها کمتر از ۱۸٪ کارگران کشور، استخدام رسمی هستند. بقیه؛ پیمانی، سفید امضاء و یا بدون قرارداد هستند. در رابطه با اختلاس های کلان در ایران نیز، پس افشای اختلاس ۳۰۰۰ میلیارد تومانی، اکنون خبر میدهند که اسناد مربوط به گزارش اختلاس ۱۰۰۰ میلیاردی نیز مفقود شده است.

دیگر سخنان "گوبلز"ی احمدی نژاد نظیر؛ پول نفت را به سر سفره شما خواهیم آورد و یا "صفر تا ۱۰۰ درآمدهای نفتی باید به جیب ملت برود." کسی را فریب ندهد. دیگر همه فهمیده اند که "جهاد اقتصادی" علی خامنه ای در خدمت پُر کردن کیسه های سرمایه داران است.

در رابطه با نا امنی جاده های ایران، گزارش شده است که روزانه ۸۲ نفر در جاده های ایران کشته میشوند. در ۵ سال گذشته، ۱۲۰،۰۷۰ نفر در جاده های ایران، جان باخته اند.

در مورد تورم لجام گسیخته، بعنوان نمونه میتوان به قیمت بهای نان که ۳ برابر شده و قیمت تخم مرغ که همچنان دانه ای ۲۵۰ تومان و قیمت هر کیلوگرم گوجه فرنگی که بین ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ تومان است اشاره نمود. بنا بر آخرین خبر منتشر شده در ۲۶ آبان ماه، هر کیلوگرم گوجه فرنگی در خردهفروشی های سطح شهر تهران از مرز ۱۷۰۰ تومان عبور کرد و نسبت به مدت مشابه هفته گذشته این کالا در هر کیلوگرم ۵۰۰ تومان افزایش قیمت داشته است.

در زمینه ضایعات مصرف مواد مخدر و بیماری های روانی در ایران، خود مقامات رژیم سن اعتیاد در ایران را ۱۳ سال اعلام نموده اند و بعلاوه ۳۵،۵٪ زنانی که همسر معتاد دارند، دارای افکار خودکشی هستند و بیش از ۲۱٪ آنها تجربه ناموفق، خودکشی داشته اند. بیش از ۱۵ میلیون نفر نیز در ایران، دچار بیماری های گوناگون روانی هستند.

برای آگاهی از اینکه سر نخ گسترش مواد مخدر ایران در کجاست، بعنوان یک نمونه توجه شما را به این خبر نیز جلب مینمایم: "چند ماه پیش ۲۵ عضو یک شبکه بزرگ قاچاق مواد مخدر، در کشور آذربایجان دستگیر شدند. تحقیقات نشان میدهد که حداقل ۸ نفر از آنها، کارمندان محلی سفارت جمهوری اسلامی ایران در باکو بودند که به عضویت در فعالیت های خارجی سپاه پاسداران اعتراف کرده اند و کارت های هویت آنها هم بر این امر گواهی می داد.

پیش از این اخبار فراوانی از تجارت های غیر قانونی، قاچاق آثار عتیقه، قاچاق سلاح و نیز قاچاق پول توسط سپاه پاسداران منتشر شده بود." بنابر اطلاعات موجود، تعداد معتادان کشور بیش از ۴ میلیون نفر است. طبعاً منافع حاصل از گستردن مواد مخدر در ایران و جهان، چشم "برادران قاچاقچی" سپاه و دیگر نهادهای رژیم را خیره کرده است. بویژه زمانی که بنادر، فرودگاهها و پاسگاه هائی مرزی تحت اختیار سپاه، تسهیلات ضروری را ارائه میدهند.

در زمینه شیوع برخی بیماری های دیگر در ایران، رئیس چهارمین کنگره بین المللی هپاتیت تهران اعلام کرد ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر در کشور مبتلا به هپاتیت B هستند. مینو محرز، رئیس مرکز تحقیقات ایدز میگوید "۹۹٪ بیماران جدیدی که در تهران، در بیمارستان امام خمینی، به من مراجعه می کنند، از طریق روابط جنسی به ویروس ایدز مبتلا شده اند. هر سال نیز، به تعداد مبتلایان، از این طریق، افزوده می شود." بعلاوه رئیس مرکز تحقیقات ایدز گفته است که "میزان کشوری ابتلای جنسی ایدز، حدود ۴۰٪ است. در عین حال، تعداد زنان باردار مبتلا به این ویروس نیز، در حال افزایش است."

آمار رسمی وزارت بهداشت، از شناسایی بیش از ۲۳ هزار نفر آلوده به ویروس ایدز در کشور خبر می دهند. بر این اساس تا کنون تنها یک چهارم و یا یک پنجم از تعداد واقعی مبتلایان به بیماری ایدز، شناسایی شده اند. لذا تعداد مبتلایان به بیماری ایدز در ایران مابین ۹۰۰۰۰ تا ۱۱۵۰۰۰ نفر تخمین زده میشود.

ناصر سودانی، رئیس مجمع نمایندگان خوزستان نیز در ۲۶ آبانماه، در نشست مدیران و روحانیون استان خوزستان با رئیس مجلس شورای اسلامی، از بروز بیماریهای جدید و صعب العلاج بین مردم این استان خبر داده است.

در زمینه نابسامانی های اجتماعی، ایران از لحاظ برابری جنسیتی، یکی از بدترین کشورهای جهان است. ایران، پس از ترکیه، مصر و سوریه، رتبه ۱۲۵ را به خود اختصاص داده است.

هفته گذشته مجدداً زنی ۵۰ ساله و بیمار را در حالی که لباس بیمارستان به تن داشت، آمبولانس در حاشیه خیابان رها کرده است.

ضمناً سرمای زودرس در تهران، مجدداً، بی خانمان ها و کارتن خواب ها را در معرض مرگ قرار داده است. یک جامعه شناس در رابطه با کارتن خواب ها گوید: "کارتن خواب های ایران اکثراً از معتادان یا کودکان فراری و خیابانی و همینطور مهاجرین و کارگران فصلی هستند که مجبور می شوند شب را بدون سرپناه بگذرانند. بر اساس آمار رسمی بیش از ۱۲ میلیون نفر در کشور زیر خط فقر مطلق قرار دارند و این به معنای آن است که این افراد فاقد توانایی ایجاد یک سرپناه برای خود هستند. ما حداقل چهار میلیون معتاد در جامعه داریم که هر کدام در مرحله از اعتیاد هستند و تعدادی از آنها هم از خانواده طرد شده اند و به خیابانها پناه آورده اند."

در رابطه با تجاوزات جنسی نیز، در بررسی تنها ۴۰ پرونده‌ی تجاوز، روشن شد که: بیش از ۱۱۰ قربانی تجاوز جنسی، ۱۷ قربانی خردسال، ۱۷ مورد تجاوز جنسی گروهی و ۷ مورد تجاوز زنجیره‌ای، توسط افراد و یا گروه، در ۱۱ ماه گذشته، انجام گرفته است. سازمان پزشکی قانونی اعلام کرد: در شش ماهه نخست امسال، ۷۷۸ نفر در حوادث کار جان خود را از دست دادند. بعبارت دیگر روزانه ۴ الی ۵ کارگر، در اثر حوادث کار، جان خود را از دست دادند. توجه داشته باشید که این آمار مربوط به ۱۸٪ کارگران ایران است که در استخدام رسمی هستند. لذا، آمار درست مرگ کارگرانی که در حوادث کار جان خود را از دست میدهند، میتواند ۵ برابر ۷۷۸ نفر باشد.

سه میلیون و ۵۰۰ هزار کودک، از امکان آموزش و پرورش محروم هستند. یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از این کودکان محروم از تحصیل، برای فرار از گرسنگی، به کار اشتغال دارند.

محمد نوری زاد، فیلم ساز صاحب نام، مینویسد: "در میانه ی راه، همسر و دختر جوان شما را به زندان اوین فرامی خوانند، تا پنج ساعت تمام، به اسم "پاره ای توضیحات"، خصوصی ترین مسائل خانوادگی را با همسر شما، و مسائل رختخوابی را، با دختر شما، در میان بگذارند." در ادامه نابسامانی های اجتماعی در ایران، بعلاوه گزارش شده است که پسر بچه ای چهار ساله، به وسیله تپانچه عنقیه پدرش، دختر عموی دو ساله خود را به قتل رسانده است. یک آسیب شناس و رفتار شناس اجتماعی میگوید؛ یکی از علل اینگونه فجایع، گسترش خشونت در جامعه است. کارل مارکس نیز میگوید؛ اخلاق جامعه متأثر از ایدئولوژی طبقه حاکم است.

نتیجه گیری در رابطه با اخبار فوق الذکر:

- ۱ - پاسخ جمهوری اسلامی ایران در ۳۳ سال گذشته، به مبارزات و خواست های بلاواسطه مردم: انزیت و آزار، بازداشت، زندان، شکنجه و اعدام بوده و هست. امری که در ماههای اخیر تشدید هم شده است.
- ۲ - بر بستر فقر، بیکاری و رواج خشونت، از طرفی اخلاق جامعه بطرف انحطاط میرود، و از طرف دیگر شیرازه اجتماعی کشورمان، در حال از هم گسیختگی است.
- ۳ - در زمینه رفاهی، آنچه در سیاست های این رژیم، جایی ندارد، تامین رفاه اجتماعی است.
- ۴ - گرانی های کمر شکن، اخراج های گسترده کارگران و بیکاری های گسترده باضافه تورم شدید، زندگی کارگران و زحمتکشان کشور را، به ناامیدی و زجر آغشته کرده است.
- ۵ - در رابطه با وضع کودکان و جوانان کشور، اخبار مربوطه، همگی حکایت از وضعیت اسف بار و غیر انسانی این آینده سازان جامعه ما دارد.
- ۶ - آنچه بوضوح دیده میشود، مسابقه صاحب منصبان رژیم، برای چپاول و غارت هر چه بیشتر، ثروت های جامعه و نیروی کار زحمتکشان است.
- ۷ - در رابطه با فرار مغزها ها ایران؛ اخبار مربوطه نشان میدهد که نه تنها ضایعات مربوطه در مقطع کنونی، بلکه در آینده نیز، اثرات جانکاه و مهلک خود را بر جای خواهند نهاد. نظامی که سیاست هایش، فرار مغزها را باعث شود، نظامی است ضد منافع اکثریت قریب به اتفاق مردم زحمتکش و ستم دیده کشور!

کارگران، زحمتکشان، آزادیخواهان و برابری طلب ها!

قبیل از آنکه رژیم ولایت فقیه در ایران، موفق شود که با ماجراجویی های دیگر در داخل و خارج از کشور شیرازه این جامعه را بطور کامل از هم بپاشد، باید بحیات آن پایان داد.

در عین حال، در چنین شرایطی باید فکر کنیم که چرا، پس از آنهمه مبارزات و فداکاری های مردم که به سرنگونی رژیم استبدادی شاه منجر شد، یک بار دیگر، گرفتار رژیم استبدادی دیگری شده ایم. رژیم نابهنگام جمهوری اسلامی ایران!

پاسخ اینست که ؛ ما مردم، پس از سرنگون کردن رژیم وابسته به امپریالیسم، بعوض حفظ قدرت، آنرا در نهایت نا آگاهی، بدست نیروی استبدادی دیگر سپردیم. نیروئی حافظ جهل و مدافع منافع سرمایه!

آموزش های انقلاب مشروطه ، سال های بحرانی ۱۳۲۰ الی ۱۳۳۲ ، مبارزات ملی کردن نفت و انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به ما هشدار میدهند که : لازمه آنکه غارت نیروی کار کارگران و زحمتکشان و غارت ثروت های عمومی کشورمان، متوقف گردد، این است که ما مردم بتوانیم نظامی را در کشورمان مستقر کنیم که؛ آزادی بیان و قلم، آزادی ایجاد تشکیلات های مردمی، آزادی اعتصابات و کوتاه سخن، امکان تعیین سرنوشت مان توسط خودمان را ، ممکن و میسر گرداند.

میگویند، گذشته چراغی فرا راه آینده است :

هم در حکومت ستم شاهی – بویژه پس از انقلاب سفید شاهانه - و هم در نظام جمهوری اسلامی ایران، هم و غم اساسی جناح مسلط طبقه حاکم، حفظ و گسترش منافع سرمایه بوده است. نه تامین منافع اکثریت قریب به اتفاق مردم.

بویژه در جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا شاهد بودیم که حاکمیت و همراهانش، از هیچ کوششی، از یک طرف برای بعقب راندن کارگران و زحمتکشان کشور و تخریب شرایط کار و زیست آنان و از طرف دیگر برای باز گذاردن دست غارتگر صاحبان سرمایه و کاست حکومتی، فرو گذار ننمودند.

واقعیت اینست که چه در رژیم سابق، و چه در نظام ولایت فقیه، همواره منافع امپریالیسم ، مستقیم و غیر مستقیم، تامین بوده است. تامین منافع امپریالیسم در ایران، در گروی غارت نیروی کار و ثروت های عمومی جامعه است. و این غارت ها، بجز با سرکوب مردم توسط رژیم بومی، ممکن و میسر نمیشود.

بهمین دلیل، مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی ایران، برای دستیابی به آزادی، برابری و رفاه، جدا از مبارزه با امپریالیسم نیست.

برای دست یابی به آزادی، رفع تبعیض و رفاه عمومی در جامعه، باید سدّ مقدم پیشروی کنونی مردم، یعنی جمهوری اسلامی ایران، با بمیدان آمدن بزرگترین توده سازمان داده شده مردم، درهم شکسته شود. در چنین صورتی، نیروهای مسلح دول امپریالیستی و متحدان شان نیز جرات حمله بکشور ما را نخواهند داشت.

در آن هنگام قادر خواهیم بود حکومتی را در ایران مستقر کنیم، که متکی بر اکثریت عظیم مردم، برای تامین منافع اکثریت عظیم مردم باشد.

این مهم را از هم اکنون با تعمیق گفتمان دمکراتیک، تشدید مبارزه و سازماندهی حُول خواست های بلاواسطه مان در محل های زیست و کارمان، تلفیق مبارزه مخفی و علنی، گسترش نافرمانی مدنی برای ناممکن کردن فرمانفرمایی فرمانروا، و پیوند این مبارزات در سراسر کشور با یکدیگر، میتوانیم تا سرنگونی رژیم چپاولگر جهل و جنایت، به پیش ببریم.

فراموش نکنیم ؛ ملت سازمان داده شده ملت مصمم آزادیخواه و برابری طلب، منشاء همه قدرت ها است. به امید آینده بهتر و بهروزی مردم ایران!